

فرهنگ واژه‌های پزشکی در متون کهن پزشکی پارسی

بر اساس

سه کتاب پزشکی قرن چهارم هجری
کتاب هدایه اخوینی و الابنیه هروی و دانشنامه میساری

تألیف

دکتر محمدرضا اردلان
دکتر کاظم خدادوست

سرشناسه : اردلان، محمدرضا
 عنوان قراردادی : هدایه‌المتعلمین فی الطب، الابنیه عن حقایق الادویه، دانشنامه
 عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ واژه‌های پزشکی در متون کهن پزشکی پارسی براساس سه کتاب پزشکی قرن چهارم
 هجری کتب هدایه اخوینی و الابنیه هروی و دانشنامه میساری/تالیف محمدرضا اردلان، کاظم
 خدادوست؛ [به سفارش] دانشگاه علوم پزشکی تبریز، مرکز تحقیقات فلسفه و تاریخ پزشکی.
 مشخصات نشر : تبریز: انتشارات پزشکی شروین، ۱۳۹۱.
 مشخصات ظاهری : ۲۴۰ ص.: مصور، جدول.
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۹۴۹۱۸-۲-۰
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 یادداشت : ستاینده.
 موضوع : پزشکی سنتی — واژه‌نامه‌ها
 موضوع : پزشکی سنتی — متون قدیمی تا قرن ۱۴.
 شناسه افزوده : خدادوست، کاظم، ۱۳۴۱ -
 شناسه افزوده : اخوینی، ربیع بن احمد، قرن ۴ق. هدایه‌المتعلمین فی الطب
 شناسه افزوده : هروی، موفق بن علی، قرن ۵ق. الابنیه عن حقایق الادویه
 شناسه افزوده : میسری، قرن ۴ق. دانشنامه
 شناسه افزوده : دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز، مرکز تحقیقات فلسفه و تاریخ پزشکی
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۱ ۴۴۱۳۶ف/۱۳۲۵R
 رده بندی دیویی : ۶۱۰/۳
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۴۰۴۱۹

نام کتاب: فرهنگ واژه‌های پزشکی در متون کهن پزشکی پارسی
 تالیف: دکتر محمد رضا اردلان، دکتر کاظم خدادوست
 ناشر: انتشارات پزشکی شروین
 به سفارش: دانشگاه علوم پزشکی تبریز- مرکز تحقیقات فلسفه و تاریخ پزشکی
 طراح روی جلد و طرحهای داخل کتاب: کسری اردلان
 صفحه‌آرایی: حسن شجاعی شتربانی
 لیتوگرافی: بابک جاب: بیستا صحافی: امین
 ناظر چاپ: سپیده زمانی
 شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
 نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۱
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۴۹۱۸-۲-۰

مرکز پخش: انتشارات الوین - ۰۹۳۰۴۱۱۴۴۸۴ - ۰۴۱۱۵۵۶۴۴۸۴ - www.ElvinPub.com



مرکز تحقیقات
 فلسفه و تاریخ پزشکی



مقدمه

از نوشته‌های کهن پارسی در زمینه علوم پزشکی، سه کتاب هدایه‌المتعلمین فی الطب ابوبکر ربیع بن احمد الاخوینی البخارائی، الابنیه عن حقایق الادویه موفق الدین ابو منصور علی الهروی و دانشنامه حکیم میساری از تألیفات نفیس و قابل توجهی هستند که به دلیل اشتغال بر واژه‌ها و اصطلاحات مهجور و نامانوس، استفاده علاقمندان به این آثار را دشوار نموده است. از این روی، با توجه به ارزش این آثار که هم از حیث ادبی و هم از نظر اطلاعات پزشکی بسیار حائز اهمیت‌اند، به فراهم آوردن فرهنگی از واژه‌های کهن پزشکی پارسی بر اساس سه اثر یادشده همت گماشتیم. بدین منظور با پیشینه‌آشنایی که با کتاب کهن پزشکی پارسی هدایه‌المتعلمین فی الطب و نیز دو کتاب الابنیه عن حقایق الادویه و دانشنامه حکیم میساری داشته‌ایم، با خواندن واژه به واژه این کتاب و درک مفاهیم بیان‌شده تلاش کرده‌ایم تا معنی واژه‌های مهجور به کاررفته را از خود متن دریابیم. البته از بسیاری از فرهنگ‌ها و کتب دیگر نیز بهره برده‌ایم و همواره سعی کرده‌ایم به معنی مورد نظر نگارنده این کتاب‌ها نزدیک شویم. بدیهی است، واژه‌ها یا عبارت‌هایی که بیان‌کننده نام یک عضو یک موضع تشریحی، یک استخوان، یک عارضه، یک بیماری یا یک شیوه درمان بوده است را بیشتر مدنظر قرار داده‌ایم و از آوردن نام گیاهان دارویی و سایر مفردات دارویی خودداری کرده‌ایم. ولی در مواردی چند نام یک پرند یا میوه یا نوعی غذا که به نحوی به بیماری خاصی مربوط بوده است را نیز معنا کرده‌ایم.

کتاب الابنیه به شرح خواص درمانی گیاهان و سایر مفردات دارویی می‌پردازد و در بین کلمات نام بیماری‌ها، عوارض آنها، نشانه‌ها و حتی واژه‌های تشریحی آورده شده ما این واژه‌ها را یافته‌ایم و در این فرهنگ جا داده‌ایم.

کتاب دانشنامه پزشکی حکیم میساری نیز بیان بیماری‌ها و درمان‌های طبی به زبان شعر است از این کتاب نیز بهره فراوان جسته‌ایم.

ما این سه کتاب را به عنوان منابع فرهنگ کهن خود قرار داده‌ایم چون از آنها کهن‌تر کتابی نیست که به فارسی در زمینه پزشکی نوشته شده باشد و حتی قدیمی‌ترین نوشته‌های پارسی هستند هر سه متعلق به قرن چهارم هجری بوده و به زبان فارسی دری می‌باشد. زبانی که در دربار شاهان سرزمین خراسان گسترش یافت و احیای مجدد پارسی را سبب گشت.

از میان سه کتاب فوق نوشته‌های کتاب اخوینی کهنگی بیشتری دارد و شما می‌توانید در مثال‌هایی که در کنار واژه‌ها آورده شده این تفاوت را ببینید. نویسنده کتاب هدایه اخوینی اهل بخارا بود و در عصر سامانیان می‌زیسته و با یک واسطه شاگرد ذکر بای رازی بوده است.

صاحب نظران عقیده دارند خاستگاه دو کتاب دیگر (الابنیه عن حقایق الادویه موفق الدین ابو منصور علی الهروی و دانشنامه حکیم میساری) نیز سرزمین خراسان بوده است. به گفته دکتر جلال متینی در مقدمه کتاب هدایه اخوینی این کتاب قدیمی ترین نوشته پزشکی فارسی و نشان توان زبان فارسی در پیش از هزار سال قبل بوده تا بتوان با آن کتاب علمی نوشت و در این فرهنگ واژه های پزشکی پارسی وجود دارد که تاکنون پوشیده مانده است. در این کتاب واژه های پزشکی عربی و سریانی و یونانی بسیار به کار گرفته شده است.

هدف ما این بوده که هم کمکی به محققان در خواندن متون کهن پزشکی پارسی شود و هم واژه هایی که در بیش از هزار سال قبل به کار رفته و هم اکنون فراموش شده مجدداً عرضه شود و تا در بعضی موارد با نظر اهل فن به کار گرفته شود.

یافتن معنی بسیاری از واژه ها مانند رمزگشایی بود چون نه در فرهنگی یافت می شد و نه در کتابی دیگر آورده شده بود. با خواندن چنین بار متن کتاب و مراجعه به کتاب های آناتومی، یافتن مجاورت ها و توصیف مواضع تشریحی به رمزگشایی بعضی از واژه ها نایل آمدیم. از روی اطلس آناتومی نوشته های اخوینی را دنبال کردیم و فهمیدیم که درز سفودی استخوان جمجمه همان (sagital suture) است، بوکان یا بوگان روده کور [cecum] است، پنج رود کانی روده بزرگ (colon) است و ... به معنی استخوان پس سری یا occipital bone است، چشمه زانو همان استخوان کشکک (patella) است، خشنده گاه همان کشاله ران (groin) است، واژه جویچه یا جویچه که احتمالاً خود به معنی قرقره است به زائده قرقره مانند یا ترومکه آر (trochlear) استخوان بازو اطلاق شده معنی همه واژه های فوق و واژه های بسیار دیگر با درک آناتومی از نوشته های اخوینی حاصل آمد در باب تشریح چشم واژه مرکب «رطوبت جلیدی» آورده شده جلید کلمه عربی به معنی یخ است، هرگز آن را به معنی رطوبت یخ زده معنا نکرده ایم فقط با درک مفاهیم تشریحی می توان فهمید این واژه مرکب همان عدسی چشم (lens) است.

در بسیاری از موارد اخوینی یک واژه را هم به فارسی و هم به عربی بیان کرده مثلاً معادل فارسی پوست درونین را برای پرده صفاق (peritoneum) به کار برده و یا مثلاً در باب کابوس می گوید: «[کابوس] که به زبان فارسی بخاری آن را قدرنچک می نامند و به زبان سفدی «سکاجه» سعی شده واژه های پزشکی که در فرهنگ های دیگر نادرست یا ناکامل معنی شده است را نیز با تکیه بر مفاهیم آناتومی کتاب اخوینی به درستی معنا کنیم مثلاً دریافتیم که واژه ماساریقا همان مزاتر یا mesenteric می باشد.

طبع اخوینی سرشار از مثال ها و تشبیهات است و در این میان می خواهد ذهن خواننده را به مفاهیم علمی نزدیک کند. مثلاً استخوان زند زیرین (Radius) را به زخم برپط تشبیه کرده و حتی آن را استخوان زخمه برپط نامیده، تحذب یا کوزی کید را به تحذب سپر جنگی تشبیه کرده، لمس نوعی نبض را به لمس زه کمان تشبیه کرده، برجستگی تروکانار استخوان بازو را به چرخ چاه تشبیه کرده، ایریس یا عنبیه چشم را همچون غزب انگور یا دانه انگوری دانسته که آن را برش داده ایم. در پاره ای از موارد کارکرد یا ساختمان

یک عضو را با کارکرد و ساختمان عضو دیگر در بدن مثال آورده مثلاً ورود اورتر به داخل مثانه را که از بین دو لایه عضلانی مثانه می‌گذرد و اجازه برگشت ادرار به اورتر را نمی‌دهد، به دریچه‌های قلب تشبیه کرده که به صورت یک طرفه عمل می‌کنند. ما از این تشبیه‌ها برای رمزگشایی چند واژه مهم استفاده کردیم، به عنوان مثال در جایی که ساختمان حنجره و غضروف‌های تشکیل‌دهنده آن را توصیف می‌کند در نهایت آن را به چیزی تشبیه می‌کند به نام برنکاجه یا پرنکاجه (در نسخه بادلیان) یا پنکانه (در نسخه فاتح) در کتاب کامله الصناعه الطبیه علی ابن عباس که به زبان عربی و متقدم بر کتاب اخوینی است با شرح مشابهی که از تشریح حنجره دارد و در نهایت آن را عضوی قیف‌مانند تشبیه می‌کند از این تشابه نتیجه گرفته‌ایم که معنی برنکاجه یا پنکاجه نوعی قیف است ولی هرگز در داخل متن به طور یقین معنی چنین واژه‌ها را ذکر نکرده و نحوه استنتاج آنها را شرح داده‌ایم.

دنیای اخوینی دنیای ریزه کاری‌های تشخیصی است. خواننده‌ای که نبض و انواع آن را که در این فرهنگ آورده‌ایم بنگرد خواهد دید که جزئیات بسیار ریز حرکت نبض چگونه مورد توجه اخوینی قرار گرفته و رساله نبض اخوینی عمیق‌ترین و مفصل‌ترین رساله کهن نبض است.

در این فرهنگ سعی شده است معنی وجه پزشکی واژه‌ها بیان شود و برای جلوگیری از خطا در بعضی موارد، همان واژه کتاب را آورده و از آوردن ریشه آن پرهیز کرده‌ایم و خود واژه را معنا کرده‌ایم تا از دیدگاه پزشکی خود دور شویم و علی‌رغم این احتیاط‌ها، عاری از خطا نیستیم.

در صفحه ۴۶۲ از کتاب اخوینی آورده شده: «و باز جن کرمی رفت و آب سپید شد که به داروی کرم استاخی کنی روا بود.» استاخی به معنی «گستاخی» است ولی ما بیشتر به معنی پزشکی آن که به معنی مداخله و مداخله درمانی است تأکید کرده‌ایم. امروزه نیز ما از واژه مداخله و مداخله درمانی در گفتگوی روزانه پزشکی استفاده می‌کنیم.

در معنی واژه‌ها و عبارت‌ها از علامت‌ها و توصیف‌هایی که برای بیماری‌ها داشته است و با آگاهی که از بیماری و نشانه‌های آن داشته‌ایم بهره برده‌ایم. مثلاً در عبارت «یا از چیزی بود که بشکنجد معده را واژه بشکنجد را انقباض یا contraction معنا کرده‌ایم». در صفحه ۳۱۹ و ۳۲۰ در باب اندربر آمدن خون از گلو می‌گوید: «نیک نگاه باید داشتن چه بسیار بود کی خون از سر فرو آید و به گلو باز فرو رود... و بود کی خون بقی برآید ... و بود کی سرفه بود با خون بر آمدن ...» در این باب کل تشخیص‌های افتراقی خروج خون از دهان را که شامل خونریزی از نازوفارنکس (nasopharyngeal bleeding)، خونریزی از ریه (Hemoptysis) را و خونریزی از دستگاه گوارش (Hematemesis) توضیح داده لذا در معنای این عبارت هر سه مفهوم را معنی کرده‌ایم.

در صفحه ۴۷۲ و ۴۷۳ از کتاب اخوینی آمده است «و نفس بکائی بدان خوانند که کودکان را از پس کریستن بسیار این بیافتد ... و با امراض حجاب و شوشه نیز همین دم زدن پدید آید ...» نفس بکایی حالتی

را شرح می‌دهد که به دلیل امراض حجاب (ذات‌الجنب) یا pleuritis یا بیماری شوشه (ذات‌الریه) یا pneumonia فرد قادر به دم عمیق نیست و در نیمه‌های دم باید تنفس را قطع کند و این حالت را به تنفس کودکان در حین گریه کردن تشبیه کرده که دم منقطع دارند، لذا تنفس بکایی به عنوان یک نشانه عفونت و التهاب پرده جنب یا ریه است و هرگز آن را به صورت تنفس (دم) و بکا (گریه) معنا نکرده‌ایم.

هرگز معنی مدرن بعضی از واژه‌های کهن را در این فرهنگ به کار نبرده‌ایم. مثلاً واژه سل امروزه به معنی ابتلا به بیماری ناشی از Mycobacterium tuberculosis است در حالی که در مفهوم کهن آن یک بیماری بوده است که علامت مشخصه آن لاغری و نزاری بوده است و لذا آن را لاغری و نزاری شدید (emaciation) معنا کرده‌ایم. معنی بعضی واژه‌ها و عبارت‌ها را در این فرهنگ نیافتیم در این حالت جمله کتاب را آورده‌ایم و گاهی اوقات معنی احوال و تقریبی را با توجه به بستر معنایی پیشنهاد کرده‌ایم.

انگاره ذهنی که در هر زمان از یک واژه وجود دارد، بسیار گسترده‌تر و پخته‌تر از تعاریفی است که می‌توان در یک فرهنگ نوشت. درواقع بهترین فرهنگ لغت‌ها بازتاب بسیار کم‌رنگی از معانی است که در فرهنگ ذهنی سخن‌گویان به طور شفاف وجود دارد. حال اگر بیش از یک هزاره از آن فرهنگ و معانی ذهنی گذشته باشد کار بسیار دشوار می‌گردد. تنها مایه خوشفونی و اطمینان این است که علایم و نشانه‌های طبی و مواضع تشریحی در گذر زمان تغییرپذیر نمی‌باشند. معانی ارائه‌شده برجسته‌ترین و نمایان‌ترین معانی واژه بوده و شاید بسیاری از جنبه‌های ضمیمه‌ای و غیربیشکی واژه‌ها و عبارت‌ها نادیده گرفته شده است.

علاوه بر سه کتاب ذکرشده که واژه‌های این فرهنگ از متن آنها استخراج گردیده از کتب فارسی و عربی و انگلیسی بسیاری استفاده کرده‌ایم که در صفحه منابع آورده شده است. در این بیان از کتاب فردوس الحکمه ربن طبری در یافتن مفهوم انواع تب‌ها بهره برده‌ایم. از کتاب کامل الصناعه الطبیه علی ابن عباس در یافتن بعضی مفاهیم تشریحی استفاده کرده‌ایم که هر دو متقدم بر منابع ما بوده‌اند ولی به زبان عربی می‌باشند. گاهی برای احاطه معنایی بر یک لفظ به کتاب قانون ابن سینا یا کتاب ذخیره خوارزمشاهی که هر دو متأخر به منابع ما می‌باشند استفاده کرده‌ایم. اما چون کتاب قانون به زبان عربی نوشته شده در نوشتن این کتاب مورد استفاده قرار نگرفته کتاب ذخیره خوارزمشاهی نیز چون بیش از یکصد سال بعد از منابع این کتاب نگاشته شد و مکرراً واژه‌های آن در فرهنگ‌های اصلی زبان فارسی وارد گردیده است را نیز مستقیماً مورد استفاده قرار نداده‌ایم.

در ضمن متن آن کهنگی متن کتاب اخوینی را نداشته و مانند آن حاوی واژه‌های معنی‌نشده فارسی نمی‌باشد. از میان فرهنگ‌های موجود بیشترین بهره را از فرهنگ فارسی تاجیکی نوشته دکتر محمد جان شکوری بخارایی و همکاران بردیم چون خواستگاه این فرهنگ که همان منطقه جغرافیایی منابع ما می‌باشد به کمک آن به معنی بسیاری از واژه‌ها دست یافتیم و درواقع بدون وجود فرهنگ فارسی تاجیکی کار ما بسیار دشوار می‌شد.

برای استفاده آسان‌تر از این واژه‌نامه با توجه به این که برخی از واژه‌ها و اصطلاحات علاوه بر فارسی از زبان عربی و یا لاتین هستند در جلوی هر مدخل در داخل [] نوع آن مشخص شده است. برای فارسی از P. عربی از حرف A و یونانی و لاتین از G استفاده شده است. سپس آوانگاری آن آمده و پس از معنی و توضیح لازم، شاهد مورد نظر عیناً از متن کتاب در میان < > با ذکر صفحه و نام کتاب آمده است.

علاقه اینجانب به متون کهن پارسی به زمانی می‌رسد که توسط مرحوم پدرم با ترجمه تفسیر طبری آشنا شدم. این کتاب کهن‌ترین تفسیر قرآن است و در عهد منصور ابن نوح سامانی توسط علما ماوراءالنهر به زبان پارسی نوشته شده و هم‌عصر نگارش کتاب هدایه اخوینی می‌باشد.

ایده اصلی تألیف این فرهنگ پیشنهاد دوست دانشمند جناب آقای دکتر محمدعلی محجل شجا می‌باشد که همواره در اعتلای و معرفی فرهنگ و تاریخ دیرینه علمی این مرز و بوم به جهانیان کوشا بوده‌اند و در این میان سعی بسیار نموده مقالات علمی متعدد نگاشته‌اند. از سرکار خانم دکتر مهری باقری استاد زبان‌شناسی دانشگاه تبریز و آقای دکتر بهمن سرکارتی استاد زبان‌های باستانی ایران و عضو پیوسته فرهنگستان زبان پارسی برای راهنمایی فراوانشان در تصحیح این کتاب نهایت تشکر و قدردانی داریم.

در پایان اگر این فرهنگ جلب توجه نمایند به‌خاطر ارزش کتب هدایه اخوینی و دو کتاب منبع دیگر است که این فرهنگ بر اساس آنها نوشته شده و در درجه بعد به‌خاطر زحماتی است که دانشمندان معاصر متحمل شده‌اند و بعد از قرن‌ها این کتب ارزشمند را از گوشه کتابخانه‌های دنیا گردآوری و تصحیح نموده و به جامعه علمی و ادبی کشور معرفی نموده‌اند. اگر هم نقضی باشد که قطعاً خالی از نقص نیست به‌خاطر ضعف کار اینجانبان بوده و خللی در عظمت متون مرجع وارد نمی‌کند.

دکتر محمدرضا اردلان

فوق تخصص بیماری‌های کلیه و استاد نفرولوژی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

عضو مرکز تحقیقات بیماری‌های مزمن کلیه و مرکز تحقیقات فلسفه و تاریخ پزشکی

ardalanm34@gmail.com

دکتر کاظم خدادوست

دکترای تاریخ پزشکی و عضو مرکز تحقیقات فلسفه و تاریخ پزشکی

khodadoust7@gmail.com

الفبای آوانگاری

حرف	نشانه فونتیک	مثال با الفبای آوانگاری	مثال با خط فارسی
آ	ā	āb-c-pošt	آب پشت
ا	a	aḥval	احول
ا	e	edrār-e-ḥeyz	ادرار حیض
ا (کشیده)	ē	ē ^o yā-ye-tamaddod-ī	اعیا تمددی
ا (کشیده)	ō	ōtār	اوتار
او	ū	amrūd	امرود
ب	b	bālūne	بالونه
پ	p	parde	پرده
ت	t	tāž	تاژ
ث	ṭ	ṭālīl	ثالیل
ج	j	jāneb-e-vaḥštī	جانب وحشی
ح	ḥ	ḥālebān	حالبان
خ	x	xānī	خانی
د	d	dāc-ol-ṭa ^o lab	داء التعلب
ذ	ḏ	ḏāt-ol-janb	ذات الجنب
ر	r	rāseb	راسب
ز	z	zahr	زحیر
ژ	ž	žandī	ژندی
س	s	sobāt	سبات
ش	š	šāx	شاخ
ص	š	šodā ^o	صداع
ض	z	zab	ضب
ط	ṭ	ṭā ^o un	طاعون
ظ	z	zafare	ظفره
ع	‘	‘šā	عشا
غ	y	yebb	غب
ف	f	fatq	فتق
ق	q	qābele	قابله
ک	k	kābūs	کابوس
گ	g	gerd-āmadan	گرد آمدن
ل	l	lo ^o āb	لواب
م	m	māsārīqā	ماساریقا
ن	n	nāxone	ناخنه
ه	h	halā-hel	هلامل
و	v	vabā	وبا
ی	y	yaraqān	یرقان

فهرست مطالب

.....	مقدمه
.....	الفبای آوانگاری
	واژه‌نامه
۱.....	حرف آ
۵.....	حرف ا
۲۱.....	حرف ب
۳۴.....	حرف پ
۳۶.....	حرف ت
۴۵.....	حرف ث
۴۶.....	حرف ج
۵۰.....	حرف ح
۵۶.....	حرف خ
۶۳.....	حرف د
۶۹.....	حرف ذ
۷۲.....	حرف ر
۷۹.....	حرف ز - ژ
۸۳.....	حرف س
۹۴.....	حرف ش
۹۹.....	حرف ص
۱۰۱.....	حرف ض
۱۰۲.....	حرف ط - ظ
۱۰۴.....	حرف ع
۱۰۸.....	حرف غ
۱۱۳.....	حرف ف
۱۱۸.....	حرف ق
۱۲۴.....	حرف ک
۱۳۴.....	حرف گ
۱۳۶.....	حرف ل

۱۳۹.....	حرف م
۱۵۰.....	حرف ن
۱۶۳.....	حرف ه
۱۶۵.....	حرف و
۱۶۷.....	حرف ی
۱۶۹.....	ضمایم
۱۸۷.....	منابع

www.ketab.ir